

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت بیست و سوم، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

ایمان به غیب، یعنی ایمان به بی‌نهایت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ﴿الم﴾ ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ
فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ﴾ عرض کردیم که خدای متعال، این
کتاب با عظمت را اینگونه معرفی کرده که، این کتاب،
کتاب هدایت است برای متقین. متقین چه کسانی
هستند؟ متقین کسانی هستند که ایمان به غیب و
تقوای اعتقادی دارند، بینش و فکرشان درست است.
ایمان به غیب، یعنی ایمان به بی‌نهایت که غیب الغیوب
است. خدای متعال معدن بی‌نهایت همه خوبی‌هاست؛
عقل و فطرت به ما می‌گوید که باید به سمت این
بی‌نهایت حرکت بکنیم. می‌دانیم که این بی‌نهایت
می‌خواهد هر چه که دارد به ما بدهد و ما را متصل به
خودش کند. می‌خواهد ما هم بهره مند بشویم از آنچه
که او دارد تا لذت بی‌نهایت ببریم. اینها را عقل و فطرت

به ما می‌گوید. وقتی ما میل به لذت بی‌نهایت داریم، عقل به ما می‌گوید: پاسخ این میل باید وجود داشته باشد و روزی به آن پاسخ برسیم. پس برای اینکه به پاسخ برسیم باید به سوی بی‌نهایت حرکت بکنیم. خب ایمان به غیب، اولین شرط برای رسیدن به این مقصد است.

[شرط دوم رسیدن به بی‌نهایت]، اقامه صلات است. **﴿يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾** یعنی چه؟ یعنی کسانی که نماز را برپا می‌دارند و بندگی را در تمام ابعاد زندگی اجرا می‌کنند. اینگونه نیست که فقط سر سجاده بگویند ما بنده خدا هستیم. بلکه اوج بندگی را در برپایی حاکمیت صالحان به مَنْصَه ظهور می‌گذارند. معنای اقامه صلات در نهایت، منجر به حاکمیت صالحان بر زمین می‌شود. وقتی می‌گوییم صالحان حاکم می‌شوند، یعنی فضایی که صالحان دارند، در همه ابعاد زندگی، خودش را نشان می‌دهد. یعنی آنها زمینه حرکت ما را به سمت بندگی، در همه ابعاد زندگی برای ما فراهم می‌کنند. [شرط سوم رسیدن به بی‌نهایت] تقوای اقتصادی است **﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾**.

معنی ایمان به وحی

متقین کسانی هستند که ایمان به وحی دارند. آنها می‌دانند که خدا به وسیله وحی، با بشر صحبت می‌کند. خب این هم باید از راه عقل به دست بیاید. بله اصلاً

اثبات نبوت انبیاء علیهم السلام، به وسیله عقل است. عقل چه چیزی به ما می‌گوید؟ عقل می‌گوید اگر بی‌نهایت وجود دارد، نباید هیچ نقصی در آن باشد و نباید نیازی داشته باشد. پس اگر خلق کرده، از سرِ رحمت آفریده و عقل، جز رحمت را قبول نمی‌کند. وقتی از سر رحمت آفریده است، یعنی او ما را آفریده تا ما را مثل خودش کند. لذا باید راهی برای رسیدن به خودش را، برای ما قرار بدهد. نمی‌شود که ما را برای مقصدی خلق کند، اما راه را به ما نشان ندهد. نشان دادن راه، توسط چه کسی باید باشد؟ توسط انسان‌هایی از جنس خود ما. خب این انسان‌ها چطور پیام خدا را دریافت بکنند که راه را به ما نشان بدهند؟ به واسطه وحی. پس باید یک واسطه‌ای بین انسان و بین خدا وجود داشته باشد که آن وحی است تا پیام الهی را به همه انسان‌ها برساند. عقل می‌گوید باید چنین چیزی وجود داشته باشد. اگر چنین چیزی وجود نداشته باشد، یعنی خدایی که ما را خلق کرده، نخواسته که ما به آن مقصد برسیم. وقتی بگوییم نخواسته، یعنی مهر و لطفی به ما نداشته و برای او مهم نیست که ما به آن مقصد برسیم یا نرسیم. اگر یکی از اینها را ما قبول نداشته باشیم، همه معادلات به هم می‌ریزد. مثلاً وقتی می‌گوییم ما یک مربع را قبول داریم، یعنی تمام خصوصیات این مربع را پذیرفته‌ایم. و می‌دانیم که همه خصوصیات باید با هم، مورد قبول

ما باشد. ما وقتی می‌گوییم مربع، یعنی این شکل هندسی باید چهار ضلع داشته باشد. باید اضلاعش با هم برابر باشد. باید چهار تا زاویه داشته باشد. باید هر زاویه، نود درجه باشد. باید مجموع این زوایا، سیصد و شصت درجه شود. اگر یکی از اینها را شما بخواهید انکار کنید یا بگویید قبول ندارم، همه اینها به هم می‌ریزد. دیگر این مربع نیست. بگویید مثلا سه ضلعی است یا اضلاعش با هم برابر نیست یا چهار زاویه ندارد یا زاویه‌هایش مثلا نود درجه نیست. اگر یکی از اینها را انکار بکنید همه به هم می‌ریزد. یک بسته کامل است.

ما وقتی می‌گوییم ایمان به خدا داریم، ایمان یک لوازمی دارد. اگر گفتید یک بی‌نهایتی وجود دارد، پس این بی‌نهایت باید مقصدی برای ما قراردادده باشد و راهی برای رساندن به آن مقصد برای ما قرار داده باشد. ما ایمان داریم به وجود خدایی که بی‌نهایت مهربان است و اراده کرده که هر چه خودش دارد به ما بدهد. ما به چنین خدایی ایمان داریم. لازمه این ایمان به خدا این است که ایمان به رسالت انبیا هم داشته باشیم. وحی که از جانب خدا می‌آید، برای این است که راه را نشانمان بدهد. لذا این آیات همین مسئله را به ما گوشزد می‌کند ﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ﴾ به این دو ویژگی ما ایمان داریم، به آنچه که بر پیامبر خدا در دین اسلام نازل شده و به وحیی که بر

انبیاء گذشته نازل شده. ایمان به وحی، یعنی راهکارهایی را که خدا و انبیای گذشته ارائه کرده برای اینکه ما بتوانیم به سمت این مقصد حرکت کنیم. ما به گفتمان انبیاء گذشته، نیاز داریم ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ﴾^۱ اما گفتیم ایمان به انبیاء این نیست که فقط قبول داشته باشیم نوح وجود داشته، پیغمبر بوده، نه، فراتر از اینها. اگر گفتمان نوح را شناختیم و تصمیم گرفتیم که به این گفتمان را عمل کنیم، این می‌شود ایمان به انبیاء.

ویژگی ششم که خدا برای متقین در این قسمت بیان فرموده ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ یعنی یقین به آخرت دارند. این یقین به آخرت هم عرض کردیم در جلسه قبل که یقین عقلی و حق‌الیقینی است. البته اگر ما مراحل پائین‌تر یقین را هم داشته باشیم و در صدد باشیم که برسیم به حق‌الیقین اشکال ندارد.

متقین چه کسانی هستند؟

تا اینجا خدای متعال جریان متقین را به ما معرفی فرمود که این کتاب برای متقین سودمند است. کسانی که این ویژگی‌ها را داشته باشند که ما عرض کردیم. لُبِّ مطلب این است که متقین چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که ولایت امیرالمومنین علیه السلام را قبول

۱. سوره بقره آیه ۲۸۵

داشته باشند. وقتی ولایت امیرالمومنین علیه السلام را قبول داشته باشید، نبوت و خدا و انبیاء گذشته را قبول دارید. ایمان به غیب و تقوای اقتصادی دارید. اگر ولایت امیرالمومنین را قبول کنیم همه اینها با هم برای انسان وجود دارد. این جریان متقین را خدا به این شکل معرفی کرده.

اما آیه پنجم: **﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾**^۲ خدای متعال در این آیه جمع بندی می‌کند و می‌فرماید: این کسانی که متقین هستند و این ویژگی‌ها را دارند **﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ﴾** اینها از جانب پروردگارشان یک هدایتی را دریافت می‌کنند یعنی همواره در معرض هدایت پروردگار هستند. این انسان‌هایی که این ویژگی را دارند، همیشه هدایت پروردگار آنها را یاری می‌کند **﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ﴾** هدایت پروردگار همیشه سایه‌اش بالای سر اینها هست. خدا همیشه مواظب و مراقب اینهاست **﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾** و اینها کسانی هستند که رستگار می‌شوند.

مفهوم رستگاری در آیات

فلاح و فوز و رستگاری در آیات یعنی چه؟ یعنی اینها همان کسانی هستند که به بی‌نهایت می‌رسند. **﴿هُمُ﴾**

۲. سوره بقره آیه ۵

الْمُفْلِحُونَ یعنی کسانی که به مقصد رسیدند. ممکن است بگویید الان که نرسیدند. می‌گوییم چون می‌روی رسیده‌ای، کسی که در راه باشد و تصمیم جدی داشته باشد که تا آخر برود. ولو آنکه نرسد ولی در مسیر است خدا می‌گوید ما او را رسیده حساب می‌کنیم. خب اینها چه کسانی بودند؟ عرض کردیم متقین! و قرآن، هدایت برای اینهاست. باز هم تکرار می‌کنیم نباید یادمان برود. قرآن کتاب هدایت است برای متقین به سوی ولایت. پیش نیاز اینکه از این هدایت برخوردار بشوید این است که باید با عقل و فطرت خود، این شش ویژگی را حتما ایجاد بکنید. تا با داشتن این شش ویژگی، هدایت خدا بر شما نازل شود. و شما را به سمت مقصدی که باید در آنجا مستقر بشوید هدایت کند. و آن مقصد، فقط بهشت نیست؛ بهشت کف آن چیزی است که خدا برای ما قرار داده است. بالاترین درجه که بیشترین لذت را دارد که اصلا قابل توصیف نیست، جَنَّتِ لِقَاءِ است، یعنی در آغوش اهل بیت بودن. قرآن ما را به گونه‌ای هدایت می‌کند که ما به جایی برسیم که به مقام لقاء برسیم. جایگاهمان آنقدر بالا برود که در آغوش و هم‌نشین معصومین علیهم‌السلام بشویم. این چیزی است که ان‌شاءالله باید اتفاق بیفتد برای همه ما. خب اینجا جریان متقین را خدای متعال در این چند آیه برای ما بیان فرمود، ویژگی‌هایشان را هم بیان فرمود.

در مقابل جریان متقین، دو جریان دیگر وجود دارد، که یکی از آنها جریان کفر است که در آیه ششم بیان می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۳ یکی هم جریان نفاق است که ان شاء الله در آیه هشت عرض خواهیم کرد.

جریان‌های مقابل متقین: ۱. جریان کفر

اما جریان کفر، قرآن می‌فرماید: اینها کسانی هستند که تو اینها را چه انذار بدهی چه ندهی، اصلا انذار و هشدار و هدایت خدا را نمی‌پذیرند. اینها از اول بگونه‌ای با پیامبر خدا برخورد کردند که راه‌های ورودی قلبشان را بسته‌اند. راه‌های ورودی قلب چیست؟ چشم و گوش‌شان را بسته‌اند و اجازه نمی‌دهند که هیچ کلامی وارد بشود، تا اینکه بعدا بنشینند فکر کنند آیا این کلام درست است یا نه. ببینید انسان عاقل، اجازه می‌دهد تا کلامی وارد گوشش بشود. بعد می‌نشیند حلاجی می‌کند ببیند این درست است یا نه. با عقل و فطرتش می‌سنجد. اگر درست بود می‌پذیرد، اگر درست نبود نمی‌پذیرد. و دلیل هم دارد که چرا نمی‌پذیرد. عده‌ای که خدای متعال می‌فرماید اینها کافرنند، کافرانی که اصرار و لجاجت در کفرشان دارند که این آیات اشاره به اینهاست. البته عده‌ای کافر هستند به خاطر اینکه شاید احکام دین خدا و قرآن به آنها نرسیده و اگر به آنها برسد

۳. سوره بقره؛ آیه ۶

می‌پذیرند. مراد خدا در این آیات، آنها نیست. مراد همین کفاری است که در مکه بودند و وحی خدا توسط پیامبر به آنها رسید. پیامبر خدا آنها را دعوت به سوی فلاح و صلاح و رستگاری کرد. دعوت به سوی خدا و بی‌نهایت کرد ولی اینها اصلاً نپذیرفتند. خدای متعال می‌فرماید: ای پیامبر! این کسانی که کافرند و اصرار بر کفر دارند، تو هرچه هم با آنها صحبت بکنی فایده ندارد. چون اینها اصلاً حرف را از اول نمی‌پذیرند تا بخواهند حلاجی کنند، راه‌های ورودی را بسته‌اند. در آیه بعد خواهیم گفت که خدای متعال می‌فرماید: ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً﴾^۴ اینها اصلاً راه‌های ورودی همه حقایق را به سمت قلب‌شان بسته‌اند. چون این راه‌ها را بسته‌اند، پس امکان اینکه هدایت بشوند وجود ندارد. خدای متعال در قیامت وقتی این پرده‌ها را از جلوی چشم اینها کنار می‌زند، شاید آنجا فرصتی برای درک حقیقت پیدا کنند. اگر اینها آنجا قبول کردند که فیها، اگر قبول نکردند، دوباره خدای متعال در یک شرایط سخت‌تری مثل جهنم، اینها را قرار می‌دهد تا شاید برگردند. اینجا به پیامبر خدا در این آیه می‌فرماید که اینها را رها کن. دیگر موعظه و نصیحت و پند و اندرز به گوش اینها فرو

۴. سوره بقره؛ آیه ۷

نمی‌رود. اینها یک عده هستند در مقابل متقین. این جریان کفر را بیشتر در موردش توضیح می‌دهیم.

یک جریان دیگری که بعدا خواهیم گفت. جریان منافقین است که بیشتر، ما با آن جریان کار داریم و روی سخن قرآن هم در ابتدای این سوره، در ارتباط با همین جریان نفاق است. ان شاء الله در جلسه بعد درباره آن توضیح خواهیم داد. مشخص می‌کنیم، قرآن که می‌گوییم آمده برای اینکه حق و باطل را به ما نشان بدهد، چطور اینجا حق و باطل را به ما نشان می‌دهد. قرآن حلال و حرام را هم به ما نشان می‌دهد. اما قرآن نیامده تا فقط حلال و حرام را نشان بدهد، آمده حق و باطل را نشان بدهد. این را یادمان نرود. خدا می‌خواهد در آیات بعد، بیان کند که جریان حق در جامعه و جهان چه جریانی است و جریان باطل و ویژگی‌های آن چیست. منتها یک دسته از جریان باطل، همین کفار هستند که اینها باید کنار گذاشته شوند. اصلا اینها عددی نیستند. اینها چون راه‌های ورودی حرف را به روی خودشان بسته‌اند، دیگر با آنها وارد هیچ تعاملی نشو. اما آن جریانی که در مقابل تو قرار می‌گیرند و برای تو و برای آیندگان خیلی دردسر ساز هستند، جریان نفاق است که در آیات بعد توضیح خواهیم داد.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.